

تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر انحرافات اجتماعی زنان

چکیده

زمینه و هدف: در هزاره فناوری اطلاعات، وسایل نوین ارتباطی نقش انکارناپذیری را در زندگی کنشگران اجتماعی ایفا می‌کنند. یکی از ابعاد قابل تأمل این رسانه‌ها، مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از استفاده از آن‌هاست که بخش عمده آن گریبانگیر زنان است؛ از این رو این مطالعه، با هدف بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر انحرافات اجتماعی زنان انجام پذیرفته است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی از نوع پیمایش اجتماعی است. جامعه آماری شامل ۱۰۵ زن بازداشت‌شده در جهرم است که به‌عنوان جمعیت نمونه در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته با اعتبار محتوایی (از نوع صوری) لازم و پایایی قابل اطمینان بالاتر از (۰/۶۵)، جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره انجام شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها حکایت از این دارد که ارتباط میان متغیرهای تحصیلات، پایگاه اقتصادی اجتماعی، دین‌داری، هدف از عضویت، میزان استفاده و سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با متغیر انحراف اجتماعی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است. نتایج معادله رگرسیونی نیز نشان داد که حدود ۲۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (R^2) توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود و در این میان، بیشترین تأثیر مربوط به دو متغیر میزان استفاده و سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی با مقدار بتای استاندارد (۰/۴۰۴) و (۰/۳۲۰) است.

نتیجه‌گیری: شبکه‌های اجتماعی مجازی، فرصت و انگیزه بیشتری را نسبت به فضای واقعی جامعه، برای تخطی از هنجارهای اجتماعی برای زنان فراهم کرده است؛ پس می‌توان چنین استدلال کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی نقشی اثرگذار و مستقیم در زمینه بروز انحرافات اجتماعی زنان دارند.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، انحراف اجتماعی، زنان.

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن در بروز انحرافات اجتماعی در دانشگاه پیام نور است.

دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی برگرفته از طرح تحقیقاتی

صص: ۱-۲۶

شناسه دیجیتال (DOR).

DOR: [20.1001.1.20086024.1400.13.1.1.5](https://doi.org/10.1001.1.20086024.1400.13.1.1.5)

مجتبی حمایت‌خواه

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: j_hemayat@yahoo.com

مقدمه

در دههٔ دوم قرن ۲۱، رسانه‌های نوین ارتباطی با سرعت غیرقابل باوری پیشرفت کرده و ابعاد مختلف زندگی اجتماعی را - خواسته یا ناخواسته - دچار دگرگونی ساخته‌اند. گستره و عمق این تغییر به حدی است که شکل و ساختار فرهنگی و ارزشی جامعه و به‌ویژه کنش اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هر روز جلوه‌ای تازه‌تر و بدیع‌تر پیدا می‌کند. از خصوصیات بارز این رسانه‌ها چند سوییگی، فرا مکانی و فرا زمانی بودن آن‌هاست. برخلاف گذشته این فناوری‌ها انحصاری نیست و مردم از هر گروه و طبقه‌ای؛ دارا و ندار، کودک و نوجوان، پیر و جوان، زن و مرد، باسواد و بی‌سواد، دولتی و غیردولتی، مذهبی و غیرمذهبی از آن‌ها بهره می‌برند و در زمره نیازهای اساسی آن‌ها درآمده است. این رسانه‌ها از طریق ایجاد هنجارهای خاص رسانه‌ای و الگوهای کنشی جدید، می‌توانند هم موجب همنوایی و هم ناهمنوایی شوند.

در بین وسایل ارتباط جمعی در این هزاره، «اینترنت» از همه تأثیرگذارتر و بااهمیت‌تر است و از بین تمام امکاناتی که اینترنت به مخاطبان خود ارائه می‌دارد، در سال‌های اخیر، «شبکه‌های اجتماعی مجازی» با سرعتی بی‌نظیر گسترش یافت است. پایگاه‌های مجازی «فیس‌بوک»^۱، توئیتر^۲، لاین^۳، تانگو^۴، مای اسپیس^۵، لینکدین^۶، تلگرام^۷، واتساپ^۸، اینستاگرام^۹ و... مشهورترین این شبکه‌ها هستند که فضایی جذاب و متنوع را برای ارتباط شبکه‌ای در فضای مجازی میان کاربران اینترنت و عمدتاً از نسل جوان فراهم آورده و در مدت زمانی کوتاه، به سرعت رشد کرده‌اند. انتخاب آزادانه، مشارکت در جمع دوستان،

-
1. Facebook
 2. Twitter
 3. Line
 4. Tango
 5. MySpace
 6. LinkedIn
 7. Telgram
 8. Whatsapp
 9. Instagram

گمنامی، تبادل بی‌پرده احساسات، تعدیل و تشویق‌ها، تعاملات شبکه‌ای فارغ از حضور فیزیکی و محدودیت‌های دنیای واقعی و... از مهم‌ترین محرک‌ها برای تداوم فعالیت کاربران در شبکه‌های مجازی به شمار می‌رود. بدین صورت که «حتی شکل و شرایط کنش اجتماعی و تجربه انسانی را در سرتاسر جهان تعیین می‌کنند» (کاستلز^۱، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

در جامعه ایران نیز با وجود اینکه شبکه‌های اجتماعی پر مخاطب از جمله توئیتر، فیس بوک و تلگرام با مسئله فیلترینگ مواجه هستند؛ اما در عین حال استقبال کاربران از شبکه‌های اجتماعی چون واتساپ و اینستاگرام روند چشمگیری دارد و حتی با استفاده از فیلترشکن‌ها هنوز شبکه اجتماعی چون توئیتر و تلگرام پر مخاطب هستند. گزارش کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات اتاق ایران نشان می‌دهد که از جمعیت حدود ۸۴ میلیون نفری ایران، حدود ۵۹ میلیون کاربر اینترنت بوده و حدود ۳۳ میلیون کاربر ایرانی در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۱۹ در حدود ۲/۵ درصد رشد داشته است (طلایی، ۱۳۹۹، ص ۱۹).

اما با این اوصاف، شبکه‌های اجتماعی از سویی به‌عنوان یکی از گونه‌های رسانه‌های اجتماعی، امکانات تعاملی قابل توجهی برای کاربران اینترنتی فراهم کرده‌اند و در افزایش مشارکت شهروندان در برخی فرایندها مؤثر بوده‌اند؛ از سویی، این شبکه‌ها با آسیب‌های گسترده‌ای در حوزه‌هایی از قبیل حریم خصوصی، کپی‌رایت، اعتیاد مجازی، سوءاستفاده از کودکان، سرقت اطلاعات و هویت و مواردی از این قبیل مواجه بوده‌اند. این شبکه‌ها همچنین عرصه ارتباطات سیاسی را نیز متحول کرده‌اند (جعفری، ۱۳۸۹، ص ۲). پس مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از استفاده از این رسانه‌ها را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی کرد که بخش عمده آن‌ها گریبانگیر زنان جامعه (یعنی نیمی از جمعیت کشور) است؛ بنابراین، توجه به زنان به‌عنوان ایفاگران نقش‌های تربیتی در کانون خانواده و جامعه اولویت ویژه دارد و بیش‌ازپیش می‌بایست در مرکز توجهات اجتماعی و فرهنگی قرار گیرند.

با توجه به فعالیت گسترده کاربران ایرانی در فضاهای مجازی، می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی، نظام ارزشی و اخلاقی ما را در عرصه‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی با چالش جدی مواجه ساخته‌اند. یکی از گروه‌هایی که به شدت متأثر از پیامدهای محسوس و نامحسوس آسیب‌زای چنین شبکه‌هایی هستند، دختران و زنان می‌باشند. دسترسی و عضویت این گروه جمعیتی به انواع رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی به هیچ‌وجه قابل مقایسه با گذشته نیست. ورود به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی گوناگون امکان بروز رفتارهایی را برای این گروه فراهم کرده است که ضرورتاً در دنیای واقعی آن‌ها جایی ندارد و چه بسا از جانب اعضای خانواده ممنوع باشد. شواهد حکایت از نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی در بروز انحرافات اجتماعی زنان نظیر خودکشی، فرار دختران از منزل، خیانت به همسران، اعمال منافی عفت، استعمال و خرید و فروش مواد مخدر، عضویت در باندهای مجرمانه و... دارد. پیمایش مؤسسه «تلاش برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های برخط» نشان داده است که زنان ۸۰ درصد بزه‌دیدگی جنسی در شبکه‌های اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند (مارکوم و هاگینز^۱، ۲۰۱۴، ص ۳۶). مطالعات بزه‌دیده‌شناسی نیز در بستر سایبر، نشان می‌دهد که زنان، از جمله آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در فضای مجازی هستند و با گسترش شبکه‌های اجتماعی به صورت تصاعدی بر رشد بزه‌دیدگی آنان افزوده شده است (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۷، ص ۱). بر اساس یافته‌های «فین و باناچ^۲»، اینترنت به زنان کمک می‌کند تا سلامتی جسمانی و روحی خود را بهبود بخشند، ولی این امر خالی از مخاطره نیست؛ زیرا زنان در این بستر همواره در معرض از دست دادن حریم خصوصی، ارتباطات نامحدود و بی‌قید، مزاحمت و تعقیب ایدائی برخط هستند (هالدر و جیشانکار^۳، ۲۰۱۱، ص ۳۰۱).

نکته قابل تأمل این است که فضای گمنامی و غریبگی این شبکه‌های اجتماعی به همراه فضای آزاد و بدون محدودیت، امکان تخطی از هنجارهای اجتماعی را نیز برای زنان

-
1. Marcum & Higgins
 2. Finn & Banach
 3. Halder & Jaishankar

جامعه ایران بیشتر از فضای واقعی جامعه فراهم کرده است. بر طبق آمار پلیس فتا در سال ۱۳۹۵ بیش از ۸۹ درصد از پرونده‌های اخلاقی و جرائم منافی عفت به انواع اپلیکیشن‌ها اختصاص داشته است (کرد علیوند و میرزایی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۳). بنابراین، محقق مبتنی بر شواهد آماری و تجربی مورد اشاره که نشان از افزایش ارتکاب جرائم به‌دست زنان و احتمال قربانی شدن آن‌ها در فضاهای مجازی دارد و همچنین بررسی‌های میدانی و مطالعاتی در شهر جهرم که به‌نوعی مسئله شدن ناپهنجاری اجتماعی زنان را در این منطقه نشان می‌دهد، برای تبیین علمی‌تر مسئله مطرح‌شده، در پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ این سؤال است که شبکه‌های اجتماعی مجازی چه تأثیری بر بروز انحرافات اجتماعی زنان دارند؟

پیشینه و مبانی نظری

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش مهمی در الگودهی به سبک زندگی افراد و کنش‌های اجتماعی آن‌ها در جوامع امروزی دارد و از این‌رو؛ هم یک فرصت‌اند که آثار مثبتی را برای کاربران فراهم می‌کنند و از طرفی نیز با آسیب‌ها و پیامدهای سلبی و منفی برای کاربران روبرو هستند که برخی از آن‌ها به شرح ذیل است:

یاراحمدی و زارعی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «پیامدهای حضور در شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر زندگی زوجین» پیامدهای مثبت این شبکه‌ها را آموزش و ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی بیان کردند و همچنین پیامدهای منفی آن‌ها را آسیب‌دیدگی تعاملات زوجین، خیانت خزنده و نامحسوس، تهدید حریم زوجی و فردی شدن زندگی برشمرده‌اند. حاجی‌ده‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۷) نیز در تحقیق خویش با عنوان «علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی» ضمن اشاره به رشد تصاعدی بزه‌دیدگی زنان تحت تأثیر پیدایش این شبکه‌ها مهم‌ترین علت این مسئله را سبک زندگی و نحوه تعاملات و انتخاب‌های کاربران زنان و فشار اجتماع بر آن‌ها بیان کرده‌اند. دانش‌اناری،

شیخ‌الاسلامی و محمد کوره‌پز (۱۳۹۷) در تحقیق خویش با عنوان «تحلیل بزه‌دیدگی جنسی زنان در شبکه‌های اجتماعی» قربانی شدن جنسی زنان را مهم‌ترین بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی مجازی دانسته‌اند. رحیمی، شکرپیگی، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده‌ها» نشان دادند که تفاوت معناداری بین زوجین کاربر و غیرکاربر شبکه‌های اجتماعی مجازی از نظر سست شدن پیوندهای خویشاوندی، گرایش‌های انزوایوانه، عدم پایبندی به تعهدات زناشویی، سردی روابط و بی‌اعتمادی زناشویی وجود دارد. شریفی و شهرستانی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایلی و رفتار و اخلاق اجتماعی کاربران با رویکرد دینی» بدین نتیجه دست یافتند که استفاده از تلگرام، تأثیرات نامطلوبی نظیر آسیب‌دیدگی روابط خانوادگی و روابط جنسی نامناسب بر رفتار و اخلاق اجتماعی کاربران دارد. شایگان و رحیمی (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی» به این نتیجه دست یافتند که عضویت در شبکه‌های اجتماعی منجر به انحرافات اخلاقی نظیر روابط نامتعارف بین دختر و پسر و همزیستی آن‌ها به جای ازدواج خواهد شد. مرادی، رجب‌پور، کیان‌ارثی، حاجلو و رادبخش (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «انگیزه‌های استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی» که به روش پیمایش در بین دانشجویان دانشگاه سمنان انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که دختران بیشتر با انگیزه بهبود وضعیت فردی و خودافشاگری در این فضاها مجازی حضور می‌یابند. اخوان ملایری و همکاران اخوان ملایری، نوغانی و مظلوم خراسانی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مجازی و شادکامی» کاربران ایرانی عضو شبکه اجتماعی مجازی فیس‌بوک را مورد مطالعه قرار دادند که نتایج بررسی آن‌ها مشخص کرد که عضویت و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش سرمایه اجتماعی و شادکامی افراد می‌شود. بخشی و همکاران بخشی، نصیری، بختیاری و طاهریان (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی»

بدین نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی مجازی رهایی‌دهنده زنان از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های فضای حقیقی جامعه است. آذری و امیدوار (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سرمایه اجتماعی» در بین کاربران اینترنت در شهر تهران بدین نتیجه دست یافتند که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر تقویت سرمایه اجتماعی افراد نقش تأثیرگذاری دارد.

جان، جسیکا و ویلی^۱ (۲۰۱۹) در تحقیق خود با عنوان «شبکه‌های اینترنتی به‌عنوان منبع حمایت اجتماعی» به این نتیجه اشاره داشته‌اند که تعاملات آنلاین منبع مهمی برای حمایت اجتماعی عاطفی زنان قلمداد می‌شود. وانگ، ژو و ژانگ^۲ (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان «آیا زوج‌هایی که دارای روابط سست و متزلزلی هستند می‌تواند از طریق نظارت شبکه‌های اجتماعی جبران کنند» بدین نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی نمی‌تواند این دلبستگی‌های متزلزل را تقویت و استوار سازد، بلکه اثر منفی و نامطلوب بر کیفیت روابط دارد. هند^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «روابط رمانتیک و فیس‌بوک: صمیمیت و رضایت زوجین در ارتباط با استفاده آنلاین از شبکه‌های اجتماعی» چنین یافتند که استفاده از این شبکه‌ها تأثیر منفی بر روابط صمیمی و عاشقانه دارد و در کل رضایت زناشویی را مخدوش می‌سازد. شیک چوی^۴ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «فعالیت‌های روزمره سایبری؛ بررسی تجربی سبک زندگی اینترنتی» موضوع بزه‌دیدگی کاربران را فارغ از جنسیت ایشان بررسی کرد. نتایج این مطالعه بدین گونه بود که افرادی که سبک زندگی برخط رایانه‌محور خود را جدی نمی‌گیرند، به احتمال بیشتری قربانی جرائم سایبری خواهند بود. همچنین برخی الگوهای سبک زندگی، به‌طور مستقیم، با قربانی‌شدن در فضای سایبری ارتباط دارند. هامپتون^۵ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خویش با عنوان «انزوای اجتماعی و فناوری نوین» بدین اشاره داشته‌اند که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به ابزار مشترک افراد تبدیل شده و

-
1. Jana, Jessica & Willi
 2. Wang, Zhou & Zhang
 3. Hand, Thomas, Buboltz, Deemer & Buyanjargal
 4. Shick Choi
 5. Hampton, Sessions, Her & Rainie

مشارکت اجتماعی و محلی آن‌ها را افزایش داده است. در مجموع این رسانه‌های نوین موجب تشویق تعاملات اجتماعی در پهنه گسترده‌ای شده است.

بنابراین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با موضوع‌ها و مسائل اجتماعی گوناگونی نظیر سبک زندگی، اوقات فراغت، هویت، تعاملات اجتماعی، نهاد خانواده و آموزش و پرورش، انحرافات، هنجارشکنی‌ها و بزه‌دیدگی؛ بسیار درهم‌تنیده و مرتبط شده است؛ به‌ویژه اینکه در این گونه مسائل، تفاوت جنسیتی گاهی آثار و پیامدهای متفاوت و نابرابری را برای زنان و مردان به همراه دارد. این امر نو بودن، تفاوت و اهمیت پژوهش حاضر را با رویکرد آسیب‌شناختی رسانه‌های نوین برای زنان به تصویر می‌کشد.

صاحب‌نظران علوم اجتماعی توانایی شگرف رسانه‌های نوین اجتماعی در تغییر افکار، نگرش‌ها و رفتار افراد را گوشرد کرده و چنین گفته‌اند که این رسانه‌ها هم می‌توانند الگوهای رفتاری نابهنجار را ترویج کنند و هم کارکرد مثبت و مقابله‌ای برای کاهش وقوع انحرافات اجتماعی داشته باشند. در این پژوهش با توجه به هدف اصلی، از تلفیقی از نظریه‌های حوزه ارتباطات و انحرافات بهره برده‌ایم؛ زیرا نظریه‌ای که صرفاً بر روابط میان عضویت در شبکه‌ها و بروز انحرافات اجتماعی متمرکز باشد، یافت نشد. نظریه‌هایی که به نوعی با متغیرهای تحقیق حاضر در ارتباط هستند عبارت‌اند از: نظریه کاستلز و رویکرد بدینانه، نظریه پیوند افتراقی ساترلند و همچنین نظریه کنترل اجتماعی هیرشی.

انحراف اجتماعی

مفاهیم کج‌رفتار (منحرف) و کج‌رفتاری (انحراف) مشخصاً به «انسان‌ها» و «اعمالی» اطلاق می‌شود که مردم قویاً آن‌ها را رد می‌کنند. از این حیث، انحرافات اجتماعی به واکنش اجتماع به یک عمل یا طریقه زندگی، که از هنجارهای اخلاقی یا مقررات نهادی مقبول جاری تخطی کرده، گفته می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲) به عبارتی رفتاری است که به طریقی با انتظارات مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۳۱). در واقع انحرافات اجتماعی

آن رفتارهایی است که به مردم چه به لحاظ قانونی و چه به لحاظ عرفی و ارزشی، اجازه ارتکاب آن‌ها را نمی‌دهند و بیشتر اعضای جامعه بر این اعتقادند که چنین رفتارهایی تخلف از ارزش‌های مسلط جامعه و از طرفی تهدیدکننده و مخرب حیات و بقای اجتماعی است.

شبکه‌های اجتماعی مجازی

در متون پژوهشی، تعاریف متعددی از شبکه‌های اجتماعی مجازی شده است. این تعاریف را می‌توان در دو مقوله اصلی فنی - مهندسی و جامعه‌شناختی - ارتباطی از هم تشخیص داد. در نگاه فنی، این شبکه‌ها محصول برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت هستند که بر بنیادهای فناوریانه وب نسل دوم ساخته شده‌اند (برتون^۱ و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۲۶۴). در نگاه جامعه‌شناختی - ارتباطی محتوا و روابطی هستند که در نتیجه تعاملات اجتماعی کاربران در بستر فناوری‌های دسترس‌پذیر مبتنی بر وب ایجاد شده‌اند (برتوت^۲ و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۲۶۶). بنابراین یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (بوید و الیسون^۳، ۲۰۰۷، ص ۲۱۴). در تعریفی دیگر شبکه‌های اجتماعی مجازی عبارت‌اند از: اجتماع برخط کاربران اینترنت که تمایل به برقراری ارتباط با سایر کاربران دربارهٔ مباحث مورد علاقهٔ خود را دارند (ویلیام^۴، ۲۰۰۹، ص ۲). از این رو، شبکه‌های اجتماعی مجازی از اجتماع و روابط انسان‌ها به صورت غیر حضوری و غیر فیزیکی سخن می‌گوید و امکان ارتباطات و تعاملات غیرقابل لمس و غیر رودررو را به صورت آزاد، سریع و کم‌هزینه، با حجم مبادله وسیع اطلاعات و پیام‌ها فراهم می‌کند.

1. Berthon
2. Bertot
3. Boyd & Ellison
4. William

نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

برای سنجش متغیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی و اهداف و میزان حضور در این شبکه‌ها از نظریه کاستلز و رویکرد بدینانه وی بهره برده شده است. بدین معنا که هر چقدر میزان استفاده از این شبکه‌ها بیشتر شود، میزان و شدت انحراف اجتماعی نیز دچار تغییر می‌شود. به‌زعم کاستلز، گروه‌های اجتماعی و افراد در فضاها مجازی از یکدیگر بیگانه می‌شوند و یکدیگر را به چشم غریبه و نهایتاً به‌منزله یک تهدید می‌نگرند. در جامعه شبکه‌ای، برای بیشتر کنشگران اجتماعی معنا حول یک هویت بنیادی سازمان می‌یابد. این هویت اساسی در طول زمان و مکان قائم به ذات است. کاستلز معتقد است که تمام هویت‌ها برساخته می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۵، ص ۲۲). اما مسئله اصلی این است که «چگونه؟ از چه چیزی؟ توسط چه کسی؟» فرض ما که در راستای نظریه کاستلز قرار می‌گیرد، مربوط به میزان حضور در فضای مجازی است که در اینجا ما زمان را به‌عنوان عاملی که سبب برساخته شدن هویت اجتماعی کاربران و در نتیجه به انحراف کشیده شدن کاربران منجر می‌شود در نظر گرفته‌ایم. در نهایت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی را به‌عنوان زیست جهانی در نظر می‌گیریم که میزان حضور در این زیست جهان تمامی ابعاد و رفتار اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

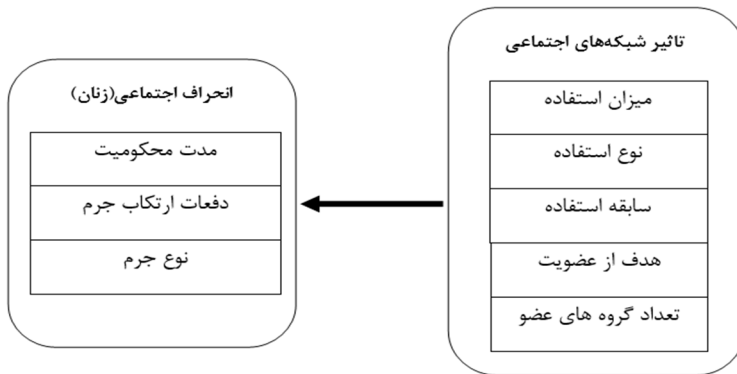
نظریه پیوند افتراقی ساترلند

از نظریه «پیوند افتراقی» ساترلند نیز که یکی از نظریه‌های مطرح در حوزه انحرافات اجتماعی و جرائم است نیز می‌توان متغیر میزان انحراف اجتماعی کاربران را استخراج کرد. همان‌گونه که ذکر شد، نظریه ساترلند یکی از نظریه‌های خرده‌فرهنگی است که در سطح فرد و گروه‌های کوچک به مطالعه متغیرها و عوامل تأثیرگذار بروز انحرافات اجتماعی می‌پردازد؛ و انحراف را به‌عنوان رفتاری توجیه می‌کند که مانند هم‌نوایی آموخته می‌شود؛ یعنی از طریق ارتباط متقابل با سایر مردم فرا گرفته می‌شود (ساترلند، ۱۹۷۰؛ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۷۸). بنابراین تأکید وی بر متغیرهایی مثل انحرافات اطرافیان و از جمله

گروه دوستان است که هم‌صحبتی و شدت تماس کاربران با این گونه افراد باعث بروز و تکرار کجروی در بین آنان می‌شود، چون میزان عضویت در گروه‌های کجرو مجازی می‌تواند در بروز انحراف اجتماعی زنان تأثیرگذار باشد.

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

«هیرشی» نیز در نظریه کنترل اجتماعی به مسائل خرد توجه شایانی نشان داده است. متغیرهایی که در نظریه هیرشی مورد تأکید قرار گرفته است، در مورد پیوندهایی است که بین فرد و جامعه و گروه‌های اجتماعی همچون خانواده برقرار است. هرچه این پیوندها عمیق‌تر و محکم‌تر باشد فرد پایبندتر شده و تمایل کمتری به سمت انحرافات در وی پیدا خواهد شد. در واقع، کنترل از طریق میزان تعهد و پیوندی که فرد با گروه دارد، بر کنش فرد اعمال و در نتیجه آن احتمال بروز کجروی کمتر خواهد شد (هیرشی^۱، ۱۹۷۴؛ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۸۱؛ محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵). در تحقیق حاضر، متغیر دین‌داری را به عنوان عاملی که می‌تواند موجب ایجاد تعهد و از طرفی بازدارنده فرد از انحراف باشد در نظر گرفته‌ایم. دین با راهنمایی‌ها و قواعد خاص اخلاقی خود، فرد را مجهز می‌کند که با کنترل خویش از برخی رفتارها امتناع کند. خودکنترلی یک ستون حمایتی روانی را در گرایش‌های رفتاری و روانی بی‌شمار در انسان به کار می‌گیرد. اگر این فرض را درست بدانیم، مفهوم مذهب موجب ایجاد سطوح بالایی از خودکنترلی می‌شود. این نظام معنایی می‌تواند مانع از خطرپذیری و رفتار هیجان‌طلبانه و در نهایت منجر به احتمال کاهش رفتارهای انحرافی توسط افراد شود. تحقیق حاضر برای سنجش میان دین‌داری و رفتارهای انحرافی از نظریه کنترل هیرشی استفاده خواهد کرد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی از نوع پیمایش اجتماعی است. جمعیت آماری شامل زنانی بود که در سال ۱۳۹۷ به نوعی دچار انحراف اجتماعی و اخلاقی بوده و پلیس انتظامی شهرستان جهرم آن‌ها را بازداشت کرده است و یا محکوم شده و دوران محکومیت خود را سپری می‌کردند؛ بنابراین، جمعیت نمونه با جمعیت آماری برابر و یکسان (۱۰۵ نفر) بود که با مراجعه به بازداشتگاه‌ها و زندان جهرم با استفاده از شیوه نمونه‌گیری در دسترس، حجم نمونه مورد نظر انتخاب شد و مورد مصاحبه و پرسش قرار گرفتند. اطلاعات لازم از طریق پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته که اغلب مقیاس‌های آن برگرفته از مطالعات پیشین بود؛ جمع‌آوری شد؛ اما در عین حال پرسش‌نامه مذکور با نظر کارشناسی متخصصان و پژوهشگران حوزه رسانه، از اعتبار محتوایی (از نوع صوری) لازم برخوردار شده و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۶۵ برآورد شد (جدول شماره ۱). قابل ذکر است که متغیر وابسته (انحراف اجتماعی زنان) با سه گویه نوع جرم، دفعات ارتکاب جرم و مدت محکومیت و متغیر مستقل اصلی (عضویت در شبکه‌های اجتماعی) با ۶ گویه میزان استفاده از اینترنت، میزان عضویت در گروه‌ها و کانال‌های مجازی، سابقه استفاده از شبکه‌های مجازی، تعداد برنامه‌های اجتماعی نصب‌شده، میزان

استفاده از شبکه‌های مجازی و هدف از عضویت در شبکه‌های مذکور عملیاتی شد. برای ارائه سیمای جمعیت مورد مطالعه و آزمون فرضیه‌های تحقیق علاوه بر آمار توصیفی، از آزمون‌های تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده و برای پردازش اطلاعات از نرم‌افزار آماری spss23 کمک گرفته شده است.

جدول شماره ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	انحراف اجتماعی	فعالیت در شبکه‌های اجتماعی
ضریب آلفا	۰/۶۷	۰/۷۱
تعداد گویه	۳	۶

یافته‌های پژوهش

در این بخش داده‌های تحقیق در دو بخش توصیف و تحلیلی ارائه می‌شوند. در بخش اول تصویری از جمعیت مورد پژوهش ارائه می‌شود و در بخش دوم روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

یافته‌های توصیفی:

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس برخی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	طبقات	فراوانی درصد	متغیر	طبقات	فراوانی درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۳۸	تحصیلات	بی‌سواد	۱
	متأهل	۳۳		ابتدایی	۳
	مطلقه	۲۱		راهنمایی	۳۳
	متارکه	۹		دیپلم	۶۳
نوع جرم	فوت‌همسر	۵	دفعات دستگیری	دانشگاهی	۵
	فرار از منزل	۵		۱ بار	۹۸
	انحرافات جنسی	۶۲		۲ بار	۶
	سرقت	۱۱		سه بار	۱
وضعیت شغلی	خرید و فروش مواد مخدر	۲۱	وضعیت شغلی	شاغل	۳۴
	ضرب و جرح	۱		بیکار	۶۸
	سایر	۵		بی‌پاسخ	۳
	مجموع	۱۰۵		مجموع	۱۰۵

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس نوع و میزان شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده

متغیر طبقات فراوانی درصد متغیر طبقات فراوانی درصد		طبقات فراوانی درصد متغیر طبقات فراوانی درصد		طبقات فراوانی درصد متغیر				
۱۲/۴	۱۳	زیر یک سال	۷/۶	۸	صفر ساعت	۷۹	۸۳	واتساپ
۸۱	۸۵	سابقه ۱ تا ۲ سال استفاده	۵۷/۱	۶۰	یک تا ۲ ساعت	۸/۶	۹	تلگرام
۶/۶	۷	۳ تا ۴ سال	۳۲/۴	۳۴	۳ تا ۴ ساعت	۳/۸	۴	اینستاگرام
			۲/۹	۳	بیش از ۵ ساعت	۶/۷	۷	سایر
						۱/۹	۲	بی‌پاسخ

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس انگیزه و هدف از عضویت در شبکه‌های اجتماعی

انگیزه و هدف	فراوانی	درصد فراوانی
دوست‌یابی	۵۶	۵۳/۳
دیدن فیلم و عکس	۱	۱
ارتباط با دوستان و خویشاوندان	۳۴	۳۲/۴
سرگرمی و خواندن جوک	۱	۱
دنبال کردن اخبار سیاسی	۰	۰
دنبال کردن موضوعات علمی	۱	۱
دانلود آهنگ	۸	۷
دنبال کردن موضوعات جنسی	۱	۱
کل	۱۰۲	۹۷/۱
موارد مفقود	۳	

یافته‌های استنباطی:

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس آزمون‌های آماری متناسب با نوع متغیرها نشان می‌دهد که ارتباط میان متغیرهای سن، وضعیت شغلی و نوع شبکه اجتماعی مجازی با متغیر انحراف اجتماعی معنادار نیست؛ به سخنی دیگر می‌توان گفت که زنان هنجارشکن در هر سن و وضعیت شغلی که باشند با هم تفاوتی در انحراف از هنجارهای اجتماعی نداشته و به

هم شبیه هستند. همچنین نوع شبکه‌های اجتماعی مجازی که این زنان مجرم مورد استفاده قرار داده‌اند ارتباط معناداری با انحراف اجتماعی آن‌ها نداشته است.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه مربوط به رابطه متغیر تحصیلات و انحراف اجتماعی

تحصیلات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره F	سطح معنی‌داری
بی‌سواد	۱۰/۰	۰/۰۰	۲/۵۳۸	۰/۰۴۵
ابتدایی	۸/۰	۰/۰۰		
راهنمایی	۶/۹۴	۱/۳۷		
دیپلم	۶/۶	۱/۵۲		
لیسانس و بالاتر	۶/۰	۰/۰۰		

اما رابطه میان متغیر تحصیلات و شدت انحراف اجتماعی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در سطح ۰/۰۵ معنادار برآورد شد. بدین ترتیب سطح تحصیلات افراد در شدت انحراف اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار بوده است (جدول شماره ۵).

جدول ۶: بررسی رابطه متغیرهای مستقل و انحراف اجتماعی با استفاده از آزمون پیرسون

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری
پایگاه اقتصادی اجتماعی	انحراف اجتماعی	-۰/۲۲۹	۰/۰۱۹
دین‌داری		-۰/۲۰۲	۰/۰۴۰
میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی		۰/۳۱۱	۰/۰۰۰
تعداد گروه‌های عضو		۰/۲۴۳	۰/۰۲۸
سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی		۰/۲۴۹	۰/۰۱۹

بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه میان متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی، دین‌داری، میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، میزان عضویت در گروه‌های مجازی، سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، با متغیر انحراف اجتماعی با اطمینان ۹۵ درصد معنادار برآورد گردید (جدول ۶).

جدول ۷: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه مربوط به رابطه متغیر هدف عضویت در شبکه‌های اجتماعی و انحراف اجتماعی

هدف و انگیزه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره F	سطح معنی داری
دوست‌یابی	۶/۴۳	۱/۲۹	۳/۳۶	۰/۰۰۵
دیدن فیلم و عکس	۶/۰۰	۰/۰۰		
ارتباط با دوستان و خویشاوندان	۷/۴۷	۱/۵۸		
سرگرمی و خواندن لطیفه و جوک	۴/۰۰	۰/۰۰		
دنبال کردن موضوعات علمی و آموزشی	۶/۰۰	۰/۰۰		
دانلود آهنگ و به اشتراک گذاری	۶/۰۰	۰/۰۰		
دنبال کردن موضوعات جنسی	۶/۰۰	۱/۰۰		

با استفاده از آزمون تحلیل واریانس ارتباط میان هدف از عضویت در شبکه‌های اجتماعی و انحراف اجتماعی زنان برآورد شد. مقدار آماره به دست آمده ۳/۳۶۳ است که این مقدار در سطح ۰/۰۵ معنی دار می‌باشد. نتایج در جدول شماره ۷ گزارش شده است.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره

مدل رگرسیونی	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	R	R2	سطح معنی داری
رگرسیون	۴۲/۰۵۲	۸	۵/۲۵۶	۲/۷۱۶	۰/۴۹۷	۰/۲۴۷	۰/۰۴۱
باقی مانده	۱۵۸/۷۰۶	۸۲	۱/۹۳۵				
جمع کل	۲۰۰/۷۵۸	۹۰					

برای تکمیل نتایج و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر انحراف اجتماعی زنان از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) ۰/۴۹۷ و مقدار ضریب تعیین (R Square) ۰/۲۴۷ است؛ بنابراین می‌توان گفت حدود ۲۵ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی می‌شود. مقدار آماره آزمون رگرسیون همان گونه که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، ۲/۷ بوده که این مقدار در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. بدین معنا که مدل رگرسیونی معنادار بوده است؛ بنابراین، فرضیه صفر رد و فرضیه کلی تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۹: نتایج تحلیل رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر بروز انحراف اجتماعی زنان

متغیر	ضریب B (غیر استاندارد)	ضریب B (استاندارد شده)	آماره T	سطح معنی داری
سن	-/۰۱۹	-/۰۶۹	-/۶۳۴	۰/۵۲۸
دین داری	-/۰۶۲	-/۱۸۵	-/۶۸۹	۰/۰۳۵
پایگاه اقتصادی اجتماعی	-/۰۴۲	-/۰۷۴	-/۶۰۵	۰/۵۴۷
میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی	۰/۴۵۵	۰/۴۰۴	۱/۵۳۸	۰/۰۲۸
نوع شبکه مورد استفاده	-/۳۷۷	۰/۱۱۵	-/۷۸۶	۰/۴۳۴
سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی	-/۱۵۲	۰/۳۲۰	-/۷۷۲	۰/۰۳۶
تعداد گروه‌های عضو	۰/۰۱۷	۰/۱۴۲	۰/۱۹۶	۰/۰۴۲
هدف از عضویت در شبکه‌ها	۰/۴۴۳	۰/۱۲۴	۲/۱۹	۰/۰۴۵

بر اساس مدل نظری تحقیق، سهم تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان انحراف اجتماعی زنان به تفکیک در جدول شماره ۹ گزارش شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار بتای استاندارد متغیرهای دین داری، میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تعداد گروه‌های مجازی عضو شده، سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و همچنین هدف از عضویت در شبکه‌ها معنادار است. بر این اساس این پنج متغیر، وارد معادله رگرسیونی می‌شوند. مقدار بتای استاندارد نشان‌دهنده سهم تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است؛ بنابراین، بتای بیشتر نشان‌دهنده تأثیر بیشتر است. در این جدول نشان داده می‌شود که بیشترین تأثیر مربوط به میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی با مقدار بتای استاندارد (۰/۴۰۴) و سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با مقدار بتای استاندارد (۰/۳۲۰) است. همه این نتایج، به‌طور هماهنگ، دلالت بر تأیید فرضیه اصلی پژوهش دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

گسترش رسانه‌های نوین ارتباطی، سبک زندگی کنشگران اجتماعی در هزاره سوم را خواسته یا ناخواسته با تغییرات شگرفی مواجه ساخته است. برخلاف گذشته این فناوری‌ها متعلق به گروه خاصی نیست و تمامی کنشگران اجتماعی از هر طبقه و گروه اجتماعی از

آن‌ها بهره می‌برند و دیگر گریزی از آن‌ها نیست. این رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی با خصیصه‌هایی چون فرا زمانی بودن، فرامکانی بودن، گمنامی و انتخاب آزادانه به دور از محدودیت‌های زندگی اجتماعی شرایط مطلوب و جذابی را برای گروه جمعیتی زنان فراهم کرده است؛ اما فارغ از آثار مثبت این حضور فعال و بدون محدودیت برای این گروه، مطالعات و شواهد تجربی نشان می‌دهد که زنان و دختران در معرض بیشترین آسیب‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی ناشی از حضور در فضاهای مجازی هستند. بدین اساس در پژوهش حاضر، ارتباط میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی با انحراف اجتماعی زنان مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفت.

تحلیل داده‌ها نشان داد که میانگین سنی جامعه آماری ۱۰۵ نفره زنان مورد مطالعه در ندامتگاه شهر جهرم، در گروه زنان هنجارشکن و به‌نوعی قربانی حدود ۲۷ سال بوده است. کوچک‌ترین فرد مجرم، شانزده ساله و بزرگ‌ترین فرد ۴۶ ساله بوده است. با توجه به آمارهای پیشین و تحقیقات و گزارش‌های حوزه قضایی میانگین سنی ارتکاب جرم، چه در مردان و چه در زنان، کاهش چشمگیری داشته است. نه تنها به لحاظ میانگین سنی بلکه در مورد جمعیت زنان مجرم نسبت به مردان نیز، در سال‌های اخیر تعداد زنان مجرم افزایش داشته است؛ بنابراین آنچه در این خصوص قابل توجه است اینکه ویژگی‌های خاص فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، امکان ورود افراد کم‌سن و سال و زنان را افزایش می‌دهد و این امکان می‌تواند آن‌ها را با خطر قربانی شدن و یا کجروی اجتماعی مواجه سازد. این نتیجه با یافته‌های تحقیق دانش‌اناری و همکاران (۱۳۹۷)؛ کردعلیوند و میرزایی (۱۳۹۷) همخوانی و مطابقت داشته است.

از بین کل جمعیت نمونه در این تحقیق، تنها حدود یک‌سوم متأهل و بقیه غیر متأهل که شامل مجرد، مطلقه و یا همسر فوت‌شده بوده‌اند. تعداد دو برابری زنان غیر متأهل نسبت به زنان متأهل شاید نشان‌دهنده این نکته است که زنان متأهل کمتر مرتکب جرم می‌شوند. این را شاید بتوان با نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم تبیین کرد. یکی از متغیرهای مطرح‌شده در نظریه دورکیم در مورد همبستگی اجتماعی، مجرد یا متأهل بودن فرد است. در نظریه دورکیم، افراد

مجرد بیشتر از افراد متأهل مستعد انحرافات اجتماعی هستند. داده‌های این تحقیق نیز با نظریه دورکیم و نتایج تحقیق حاجی ده‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۷) همخوانی داشته است.

سیمای دموگرافیک زنان مجرم نشان داد که تحصیلات ۳۶ درصد از آنان کمتر از دیپلم و حدود ۶۰ درصد دیپلم داشته‌اند. در غالب تحقیقات در مورد انحرافات اجتماعی، تحصیلات به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار مورد توجه بوده است. در نظریه‌های مارکسیستی در حوزه انحرافات اجتماعی به این نکته اشاره شده است که افراد دارای تحصیلات پایین تر بیشتر مرتکب جرم می‌شوند. البته نمی‌توان گفت زنان جمعیت نمونه این تحقیق دارای تحصیلات بسیار پایینی بوده‌اند؛ اما میانگین تحصیلاتشان در حد بالایی هم نبوده است و این موضوع با یافته‌های تحقیق حاجی ده‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۷)؛ کردعلیوند و میرزایی (۱۳۹۷) مطابقت داشته است؛ بنابراین می‌توان چنین ادعان کرد که سطح تحصیلات می‌تواند بر میزان آگاهی و هوشمندی افراد بیفزاید و از این حیث از احتمال کجرو شدن و میزان هنجارشکنی افراد بکاهد. بیش از ۹۰ درصد زنان برای اولین بار محکوم شده‌اند و مدت محکومیت بیش از ۹۸ درصد آن‌ها کمتر از یکسال بوده است. با توجه به نوع جرائمی که بیان شد و به استناد این آمار، می‌توان گفت جرائم بیشتر زنان از نوع جرائم غیر سنگین بوده است. در مورد میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی شواهد آماری بیانگر این بود که حدود ۹۰ درصد از زنان دستگیر شده شبانه‌روز حدود ۱ تا ۴ ساعت از اینترنت به‌منظور حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی نظیر واتساپ، تلگرام، اینستاگرام و... استفاده می‌کنند. این نتایج با تحقیق ابراهیم‌پور و خزایی (۱۳۹۱) همخوانی داشته است. زنان مورد مطالعه به‌طور متوسط، عضو حدود ۶ گروه از گروه‌های مجازی بوده‌اند که این میزان، شدت درگیری افراد پاسخگو به شبکه‌ها، گروه‌ها و کلاً فضای مجازی را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که هدف بیش از ۸۰ درصد از پاسخگویان دوست‌یابی و ارتباط با دوستان و خویشاوندان بوده است که با نتایج تحقیق مرادی و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی نداشته و در تحقیق آن‌ها مهم‌ترین انگیزه دختران، خودافشاگری بوده و دوستی و حفظ روابط جزو انگیزه و هدف درجه ششم آن‌ها بوده است.

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین متغیرهای تحصیلات، پایگاه اقتصادی اجتماعی، دین‌داری، میزان و سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، میزان عضویت در گروه‌های مجازی و هدف از عضویت در شبکه‌های اجتماعی با متغیر شدت انحراف اجتماعی زنان ارتباط معنی‌داری به لحاظ آماری وجود دارد و این متغیرها حدود ۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌سازند. براساس این نتایج می‌توان استدلال کرد که بیشتر نظریه‌های مارکسیستی و حتی نظریه‌های متأثر از مارکسیست، از طبقه اجتماعی به‌عنوان زیربنا و متغیر مستقل مؤثر بر متغیرها و پدیده‌ها یاد کرده‌اند. مارکسیست‌ها معتقدند افراد دارای طبقه اجتماعی پایین بیشتر از دیگران مرتکب جرم و انحرافات اجتماعی می‌شوند. البته آن‌ها معتقدند دستگیری افراد طبقه پایین به این دلیل است که قانون را افراد طبقات بالا برای کنترل افراد طبقات پایین نوشته‌اند و بنابراین، اغلب زندانیان از طبقات پایین جامعه هستند. به‌رحال، نتایج این تحقیق با نظریه مارکسیستی انحرافات اجتماعی و نتایج تحقیق حاجی ده‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۷) همخوانی داشته است. همچنین در خصوص نتایج بالا می‌توان استدلال کرد که میزان انحراف اجتماعی در افرادی که دین‌دارترند کمتر از سایر زنان بوده است. این یافته از جهتی با نظریه دورکیم مطابقت داشته است؛ بدین صورت که طبق نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم، افراد دارای همبستگی بالاتر کمتر دچار انحراف می‌شوند که بر این اساس یکی از شاخص‌های همبستگی اجتماعی همان میزان دین‌داری در فرد است. از طرفی نیز مطابق با رویکرد هیرشی، دین‌داری می‌تواند ابزاری برای ایجاد تعهد و خودکنترلی باشد و از این طریق زنان را از کجروی اجتماعی بازدارد؛ از این رو افراد مذهبی‌تر دارای تعهد و همبستگی اجتماعی قوی‌تری بوده و لذا کمتر مرتکب جرم و انحراف اجتماعی می‌شوند.

در خصوص همبستگی میان میزان و سابقه استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی با میزان انحراف اجتماعی می‌توان چنین گفت که زنانی که در طول سال‌ها و شبانه‌روز وقت بیشتری را در این فضاها مجازی هزینه کرده‌اند، شدت جرم و هنجارشکنی‌شان بیشتر از دیگران بوده است. همچنین هرچه بر تعداد گروه‌های مجازی

زنان در شبکه‌های اجتماعی افزوده می‌شود به همان نسبت بر میزان ارتکاب جرم و قربانی - شدن زنان بیشتر می‌شود. این نتایج به‌نوعی با یافته‌های تحقیق اخوان ملایری و همکاران (۱۳۹۳) شایگان و رحیمی (۱۳۹۵) شریفی و شهرستانی (۱۳۹۶) دانش‌اناری و همکاران (۱۳۹۷) حاجی ده‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۷) شیک چوی (۲۰۱۱) همخوان است.

قابل ذکر است که غالب تحقیقات انجام‌شده در خصوص میزان استفاده از اینترنت و فضای مجازی، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی نظیر نابسامانی خانوادگی، هویت فرهنگی، هویت دینی، سرمایه اجتماعی و آموزش و ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ مقدس‌زاده و صفاهیه، ۱۳۹۶؛ رضاپور و همکاران، ۱۳۹۶؛ هند و همکاران، ۲۰۱۳؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ بخشی و همکاران، ۱۳۹۲؛ صبوری خسروشاهی و آذرگون، ۱۳۹۲؛ اخوان ملایری و همکاران، ۱۳۹۳؛ یاراحمدی و زارعی، ۱۳۹۸) را تحلیل و تبیین کرده‌اند و کمتر تحقیقی برای تبیین شدت جرم و یا انحراف اجتماعی از بررسی تأثیر اینترنت و عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بهره برده است. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، این وجه از تحقیق حاضر همان وجه خلاقانه و انجام‌نشده در این پژوهش بوده است؛ بنابراین، برای مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات پیشین تعداد تحقیق برای مقایسه به میزان زیاد در اختیار محقق نبوده است.

درمجموع یافته‌های تحقیق حاضر شواهدی تجربی برای تأیید فرضیه مبتنی بر ارتباط مستقیم و مثبت میان حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی با انحراف اجتماعی زنان را فراهم آورده است. پس می‌توان چنین استدلال کرد که امروزه عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در بیشتر مسائل اجتماعی خصوصاً در زمینه بروز انحرافات اجتماعی باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که استمداد از مکانیسم‌های پیشگیرانه با تکیه بر تدابیر آموزشی و آگاهی‌بخش می‌تواند از احتمال قربانی شدن و مجرم شدن کاربران این شبکه‌ها ممانعت کند.

پیشنهادها

- قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران می‌بایست با اراده‌ای ملی، برای کنترل و کاهش آسیب‌های فضای مجازی در کشور، تصویب قوانین متناسب با جرائم سایبری را در اولویت برنامه‌ها و مصوبات خویش قرار دهند.
- تقویت و برون‌رفت از محدودیت‌های پلیس سایبری به‌ویژه در موضوعات انحرافات اخلاقی نیازمند هماهنگی و تعامل همه‌جانبه نهادها و سازمان‌ها با یکدیگر و بالاخص با نیروی انتظامی است.
- رسانه ملی با تدوین برنامه‌ها و محتواهایی آگاهی‌بخش می‌تواند موجبات کاهش پیامدهای منفی و آسیب‌زای فضاهای مجازی را فراهم کند.
- برگزاری دوره‌های سواد رسانه و مهارت‌افزایی زنان می‌تواند باعث کاهش بزه‌دیدگی و قربانی شدن آن‌ها در فضای سایبر شود.
- تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی زنان می‌تواند به‌عنوان عاملی کنترلی و پیشگیرانه زنان و دختران را در برابر آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی مصون سازد.
- با ایجاد مراکز فرهنگی و تفریحی مخصوص زنان می‌توان اوقات فراغت سالم‌تر و کم-آسیب‌تری را برای زنان و دختران فراهم کرد.
- تربیت و به‌کارگیری نیروهای انسانی متخصص و ماهر از میان بانوان در حوزه‌های پلیسی، قضائی، مددکاری و... به‌ویژه در فضای سایبر می‌تواند از گسترش ارتکاب جرائم اخلاقی زنان در فضای مجازی بکاهد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه پیام‌نور به‌دلیل تأیید و حمایت مالی این طرح با کد (۳۱۴۰) سپاسگزاری می‌شود.

منابع

— ابراهیم پور کومله، سمیرا؛ خزایی، کامیان. (۱۳۹۱). آسیب‌های نوپدید؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده ایرانی. نخستین کنگره فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، صص ۱۲۶-۱۱۲. قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc/268372>

— اخوان ملایری، فائزه؛ نوغانی، محسن؛ مظلوم خراسانی، محمد. (۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی مجازی و شادکامی. فصلنامه رسانه و فرهنگ، ۴(۲)، صص ۱-۲۴. قابل بازیابی از:

https://mediastudy.ihcs.ac.ir/article_1487.html

— آذری، غلامرضا؛ امیدوار، تابان. (۱۳۹۱). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سرمایه اجتماعی. فصلنامه فرهنگ ارتباطات، ۲(۶)، صص ۲۰۹-۱۸۱. قابل بازیابی از:

http://www.iaujournals.ir/article_510652.html

— بخشی، بهاره؛ نصیری، بهاره؛ بختیاری، آمنه و طاهریان، مریم. (۱۳۹۲). نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی. پژوهشنامه زنان، ۴(۲)، صص ۳۷-۵۹. قابل بازیابی از:

http://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_1071.html

— حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان. (۱۳۹۷). علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی فیس‌بوک. فصلنامه پژوهشی زن و جامعه، ۹(۳۵)، صص ۱۴۲-۱۱۷. قابل بازیابی از:

http://jzvj.miau.ac.ir/article_3193.html

— دانش‌اناری، حمیدرضا؛ شیخ‌الاسلامی، عباس؛ محمد کوره‌پز، حسین. (۱۳۹۷). تحلیل بزه‌دیدگی جنسی زنان در شبکه‌های اجتماعی: نمونه پژوهی تانگو. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۲)، صص ۱۰۱-۶۵. قابل بازیابی از:

https://jclr.atu.ac.ir/article_8489.html

— رحیمی، محمد؛ شکرپیگی، عالییه؛ ساروخانی، باقر و حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده‌ها. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۳(۴)، صص ۱-۱۸. قابل بازیابی از:

http://journal.aukh.ac.ir/article_545964.html

- رضاپور، رؤیا؛ ذاکری، محمد مهدی؛ ابراهیمی، لقمان. (۱۳۹۶). پیش‌بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه‌های اجتماعی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳(۵۰)، صص ۲۱۴-۱۹۷. قابل‌بازیابی از: http://jfr.sbu.ac.ir/article_97550.html
- ستوده، هدایت‌اله. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
- شایگان، فریبا؛ رحیمی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی (جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران). فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵(۳۴)، صص ۱۶۹-۱۹۳. قابل‌بازیابی از: http://fasname.msy.gov.ir/article_186.html
- شریفی، سید مهدی؛ شهرستانی، عقیده. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایلی و رفتار و اخلاق اجتماعی کاربران با رویکرد دینی. فصلنامه مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۷(۲۴)، صص ۲۷۷-۲۹۸. قابل‌بازیابی از: http://ciu.nahad.ir/article_455.html
- صدیق سروسرستانی، رحمت‌اله. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات سمت.
- طلایی، محمدرضا (۱۳۹۹). رشد ۲٫۵ درصدی تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران. خبرگزاری اقتصادآنلاین. قابل‌بازیابی از: <https://b2n.ir/a47844>
- کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کردعلیوند، روح‌اله؛ میرزایی، محمد. (۱۳۹۷). گونه‌شناسی جرائم سایبری با نگاهی به جرائم رایانه‌ای و آمار پلیس فتا. مجله حقوق دادگستری، ۱۲(۱۰۲)، صص ۱۹۱-۲۰۷. قابل‌بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_32738.html
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم، مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روانشناسی وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کتررفتاری اجتماعی. تهران: آن.

- مرادی، شهاب؛ رجب پور، مجتبی؛ کیان ارثی، فرحناز؛ حاجلو، نادر و رادبخش، ناهید. (۱۳۹۳). انگیزه‌های استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی. *مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۴(۱)، صص ۹۵-۱۱۷. قابل بازیابی از:
http://ciu.nahad.ir/article_166.html
- مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران. (۱۳۹۴). عضویت نیمی از ایرانی‌ها در شبکه‌های اجتماعی / بیش از ۲۰ میلیون نفر در تلگرام. *خبرگزاری ایسنا*. قابل بازیابی از:
<https://www.isna.ir/news/94101005345>
- مقدس‌زاده، حسن؛ صفاهیه، هاجر. (۱۳۹۶). سواد رسانه‌ای و آگاهی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۲(۳)، صص ۲۵-۳۵. قابل بازیابی از:
https://mediastudies.srbiau.ac.ir/article_11739.html
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- یاراحمدی، سعید؛ زارعی، فاطمه. (۱۳۹۸). پیامدهای حضور در شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر زندگی زوجین مطالعه کیفی. *فصلنامه آموزش و بهداشت و ارتقای سلامت ایران*، ۷(۱)، صص ۴۵-۳۰. قابل بازیابی از:
<https://b2n.ir/a67487>
- Berthon, P. R., Pitt, L. F., Plangger, K., & Shapiro, D. (2012). Marketing meets Web 2.0, social media, and creative consumers: Implications for international marketing strategy. *Business horizons*, 55(3), pp 261-271. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.bushor.2012.01.007>
- Bertot, J. C., Jaeger, P. T., & Grimes, J. M. (2010). Using ICTs to create a culture of transparency: E-government and social media as openness and anti-corruption tools for societies. *Government information quarterly*, 27(3), pp 264-271. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.giq.2010.03.001>
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of computer-mediated Communication*, 13(1), pp 210-230. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1111/j.1083-6101.2007.00393.x>
- Halder, D., & Jaishankar, K. (2011). Online social networking and women victims. *Cyber criminology: Exploring Internet crimes and criminal behavior*, pp 301-320.

- Hampton, K. N., Sessions, L. F., Her, E. J., & Rainie, L. (2009). Social isolation and new technology. *Pew Internet & American Life Project*, 4. Retrieved from:
<https://www.issuelab.org/resources/11152/11152.pdf>
- Hand, M. M., Thomas, D., Buboltz, W. C., Deemer, E. D., & Buyanjargal, M. (2013). Facebook and romantic relationships: Intimacy and couple satisfaction associated with online social network use. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 16(1),pp 8-13. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1089/cyber.2012.0038>
- Kyung-Shick, C. (2011). Cyber-Routine Activities: Empirical Examination of Online Lifestyle, Digital Guardians, and Computer-Crime Victimization. *Cyber Criminology*.
- Marcum, C. D., & Higgins, G. E. (Eds.). (2014). *Social networking as a criminal enterprise*. CRC Press.
- Peterson-Besse, J. J., Knoll, J. E., & Horner-Johnson, W. (2019). Internet networks as a source of social support for women with mobility disabilities during pregnancy. *Disability and health journal*, 12(4),pp 722-726. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.dhjo.2019.04.003>
- Wang, K., Zhou, M., & Zhang, Z. (2017). Can insecurely attached dating couples get compensated on social network sites?—The effect of surveillance. *Computers in Human Behavior*, 73,pp 303-310. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.chb.2017.03.046>
- William, F. P. (2009). Social networking sites: How to Stay Safe Sites. *Multi-State Information Sharing & Analysis Center (MS-ISAC)*, 6(12),pp 1-5. Retrieved from:
<http://www.msisac.org>